جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یک‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ - ۱۴ رجب ۱۴۴۴
سال بیست‌وچهارم- شماره ۶۶۹۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

یکی از زیباترین تصاویر خلق شده در حوزه زنان طی سال‌های اخیر جشن دینی و معنوی تکلیف شکوفه‌ها شد Khamenei.ir

با خدا دوست باشید

کبری آسوپار

از کف حسینیه امام خمینی، شکوفه‌ها به آسمان می‌پرند. انگار زمین و آسمان جا عوض کرده‌اند؛ این‌بار از زمین به آسمان می‌بارد!
رهبر سر سجاده نشســته و صف به صف، فرشــته‌های کوچولوی گل‌گلی‌پوش پشت سرش نماز جماعت خوانده‌اند. این اولین قابی است که از مراسم جشــن تکلیف صدها دانش‌آموز دختر با حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای منتشر می‌شود و فضای صورتی و معنوی حسینیه قلب‌ها را با خود می‌برد.
قاب بعدی، یک عکس نیســت. یک فیلم ۱۹ ثانیه‌ای است که یک دنیا شور و یک آسمان عشق را منتشر می‌کند؛ لحظه ورود رهبر به حسینیه. چهار دختر شهید، عکس‌های پدر در دست، همراه آقا وارد حسینیه می‌شــوند و ناگاه آن صف‌هایی که در عکس، منظم دیده بودیم، موج‌هایی پر از رنگ می‌شوند و شکوفه‌های روی چادرهایشان انگار به پرواز درمی‌آید تا خود آسمان، و دخترها بالا می‌پرند، انگار از زمین به آسمان شکوفه می‌بارد و صدای جیغ و داد و دست زدن پر از ذوق دخترها حسینیه را، تهران را، ایران را و انگار همه آسمان را پر می‌کند. دخترند دیگر! با همین شور دخترانه، تصاویری را می‌سازند که در قاب‌های منتشره پیش از این، از حسینیه امام خمینی نمونه نداشته است.
قاب بعدی، رهبر سر سجاده است و دخترها دورش حلقه زده‌اند. آقا با یکی از دخترها حرف می‌زند، دخترکی دیگر دستش را با احتیاط به شانه آقا زده، انگار بخواهد ببیند او واقعاً حضور دارد! یا شاید هم صحبتی دارد و می‌خواهد رهبر نگاهش کند. آن سمت آقا دخترکی دیگر به دست چپ آقا که نشان جانبازی ایشان است، خیره مانده است و پشت سر آقا دختری بغض کرده است. | ادامه در صفحه ۲

امریکا و دولت‌های اروپایی پس از ۵ماه، از گسترش برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کردند تا خوراکی برای شروع مجدد مذاکرات پیدا کنند

چینش میز مذاکره با شیپور وحشت!

یک بازی تکراری حول برنامه هسته‌ای ایران در حال رخ دادن است. رئیس‌جمهور فرانسه از رسیدن برنامه ایران بــه مرحله بی‌ســابقه صحبت کرده، موضعی که در تل‌آویو هم تکرار می‌شود و در وین نیز، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با زبانی متفاوت آن را تکرار کرده است. دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل در گزارشی محرمانه، از وقوع تغییراتی در فردو صحبت کرده که باعث شــده برای اولین بار ظرف ماه‌های گذشته، چهار دولت غربی طرف مذاکرات هســته‌ای با ایران با صدور بیانیه‌ای به آن واکنش نشــان دهند. ظاهر بحث، اعلام ورود برنامه ایران به مرحله‌ای پیشرفته‌تر است ولی درواقع غرب یک بار دیگر زنگ‌های خطر را حول برنامه ایران به صدا درآورده تا نشستن مجدد پشت میز مذاکره با ایران را پس از پنج مــاه تعلیق مذاکــرات احیای برجام توجیه کند | صفحه ۱۵

تمام توان سپاه و بسیج در خدمت زلزله‌زدگان خوی

با وجود برپایی آشپزخانه‌های متعدد سپاه، دولت، گروه‌های جهادی، ارتش و آستان قدس، با توجه به اسکان بیش از ۷۶هزار نفر در کمپ‌های اضطراری نیاز به غذا از اساسی‌ترین مشکلات منطقه است | صفحه ۳

روانشناسان مصاحبه با فرزندان حمله کننده به سفارت آذربایجان را تقبیح کردند

رضا پورحسین، روانشناس و رئیس اسبق شبکه ۴: قطعاً شرایطی که کودکان فرد مهاجم در آن بودند، به ویژه به دلیل حضور آنان در فضای روانی و فیزیکی عملیات، شرایط بحران است و عادی نیست

علیرضا عابدین، عضو هیئت علمی دانشگاه: مداخله در مراحل مقدماتی و بحرانی درست پس از سانحه‌ای مانندسانحه اخیر در سفارت آذربایجان برای یک فرزند خردسال تا مراحل ثانویه مداخلات بالینی برای یک فرزند بزرگسال با وضعیت روانی متمایز می‌تواند بسیار متفاوت باشد

نصرالله منصوری، روانشناس: باید غیر از اینکه در درجه اول می‌خواستیم بگوییم این حادثه به دلیل اختلافی با جمهوری آذربایجان نبوده باید به دنبال حل بحران فرد بحران‌زده هم باشیم | صفحه ۳

عدول دولت از ارز ۲۸۵۰۰ تومانی؟

تأکید رئیس کل بانک مرکزی روی نرخ میانگین سامانه نیما نشان می‌دهد
دولت و بانک مرکزی از سیاست ثبات نرخ ارز روی ۲۸هزارو۵۰۰تومان عدول کرده است و متناسب با نرخ ETS تغییر خواهد کرد | صفحه ۴

تالار مرکزی فرهنگ و هنر کرمان بالاخره افتتاح شد

تالار مرکزی فرهنگ و هنر کرمان پس از سال‌ها انتظار اهالی فرهنگ و هنر و مردم کرمان با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌طور رسمی افتتاح شد | صفحه ۱۶

روابط تجاری تهران- باکو گرفتار اسرائیلیات

اسرائیل اواخر دهه ۱۹۹۰ در میزگردهایی در باکو القا می‌کرد حضور اقتصادی ایران استقلال این کشور را با خطر مواجه می‌کند! | صفحات ۸و۹

«من وکالت نمی‌دهم!» پایان تراژیک شاهزاده بازی

اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور، خیلی زود به اندیشه وزن‌کشی افتاد، در دوره‌ای که به قول معروف نه به دار است و نه به بار! این برای گروه موسوم به سلطنت طلب، اسباب یک آبروریزی بزرگ گشت! | صفحه ۶

یادداشت

عبدالله گنجی

چرا ایرانیان انقلاب کردند؟

به‌رغم اینکه هزاران بار درباره چرایی وقوع انقلاب اسلامی سخن رفته است و صدها کتاب در جهان منتشر شده است، به بهانه ســالگرد پیروزی انقلاب اسلامی لازم است یک بار دیگر با «چشمان شســته» موضوع را بازخوانی نماییم. در چرایی وقوع انقلاب اسلامی، چه روشنفکران داخلی، چه ایرانیان اندیشمند ساکن غرب و چه اندیشمندان غربی و چه مسلمان، با الهام از علل وقوع انقلاب‌های اصیل جهان (انگلیس، فرانسه، روسیه و چین) دلایلی را برای آن توصیف و تحریر کرده‌اند.
از آنجا که همه انقلاب‌های جهان مبتنی بر دیدگاه ماتریالیستی یا «انقلابی برای شکم» است، به صورت طبیعی با مدل تئوری‌های موجود درباره انقلاب‌ها، علل انقلاب اسلامی تحلیل شد. از جمله عواملی که در کتاب‌های متعدد آمده عبارت است از «مدرنیزاسیون سریع»، «توسعه نامتوازن»، «مهاجرت روستاییان به شهرها بعد از اصلاحات ارضی و حاشیه‌نشینی» و... . اما حقیقت این اســت که جریان اصلی انقــلاب (محوریت امام) هیچ‌گاه شــعارهای اقتصادی-توسعه‌ای در دوران انقلاب اسلامی نداشت. عجیب اما واقعی است که با ۴۶درصد فقر مطلق و ۴۶درصد بی‌سواد، هیچ شعار و پلاکاردی با مضامین اقتصادی-شکمی در دست راهپیمایان نیست. این درحالی بود که اکثریت مردم دچار مشکلات جدی بودند و روستاییان در اکثریت و در عین حــال فاقد هرگونه امکانــات از دنیای مدرن بودند. بعــد از رفراندوم ۱۲فروردین ۱۳۵۸ و تدوین قانون اساسی در پاییز ۱۳۵۸ و الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در غرب آسیا تازه جهان متوجه شد که این انقلاب را نمی‌توان با «تئوری‌های انقلاب‌ها» فهم و تحلیل کرد. اما از دهه دوم انقلاب که مسائلی مانند تجدیدنظرطلبی، دموکراتیزاسیون و سکولاریزاسیون نقل محافل و مجلات شد و با گزاره‌ای جدید مواجه شدیم؛ گزاره‌ای که هدف آن تفسیر تاریخ به نفع آن نقطه بود که مطالبه‌کنندگان آن سه گزاره جدید می‌خواستند. آنان گفتند اصلاً مشکل پهلوی عدم توسعه سیاسی و دموکراسی بود. فضای سیاسی بسته بود که اگر باز بود و شاه دســت به اصلاحات می‌زد، اصلاً انقلاب نمی‌شد و این چنین برای باورپذیر کردن این موضوع سراغ سکونت چهارماهه امام در نوفل‌لوشاتو رفتند - و ۱۳ ساله عراق را وانهادند- گفتند امام دنبال دموکراسی بوده است و بعد از پیروزی غش در معامله کرده است. حال آنکه امام بیش از پنج مرتبه در نوفل‌لوشاتو می‌گوید دموکراسی غربی فاسد و طاغوت است اما چون گزاره «مردم‌سالاری دینی» مصطلح نبوده است از عبارت «دموکراسی اسلامی» استفاده می‌کند. حال سؤال این است که مسئله انقلابیون با پهلوی دوم در عدم توسعه سیاسی و عدم دموکراسی بود؟ و این مهم در کجای شعار اصلی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» می‌گنجد. درست که نظام پهلوی دیکتاتوری بود و در نقطه مقابل آن آزادی‌خواهی معنا می‌یافت اما می‌توان گفت اگر توسعه سیاسی (ورود مخالفان و منتقدان به قدرت) و دموکراسی در ایران حاکم بود، انقلاب نمی‌شد؟ پاسخ آری به این سؤال زمانی قابل قبول اســت که بگوییم امام و جریانی که همراه وی بود، بخشــی از قدرت را مطالبه می‌کردند یا دارای تحزب بودند و می‌خواستند در انتخابات شــرکت کنند اما قدرت مانع می‌شد؛ واقعاً امام دنبال توسعه سیاسی حکومت پهلوی و ورود به قدرت بود؟ یعنی شهیدان باهنر، مطهری، بهشتی، مقام معظم رهبری و غیره دنبال دموکراسی شاه بودند و سهمی از قدرت می‌خواستند؟ امام اصولاً حکومت غیرالهی را طاغوت می‌داند آیا می‌خواست سهمی از حکومت طاغوت را به عهده بگیرد و شاه مخالفت می‌کرد؟ هرگز. بدون تردید اگر رهبری را کانون انقلاب‌ها بدانیم، امام دو مســئله اصلی با حکومت پهلوی داشت و از نصیحت هم شروع کرد؛ یکی مسئله مواجهه حکومت با اسلام و ترویج مظاهر فساد و امور ضددینی بود که امام می‌فرمود: «ای علمای اسلام به داد اسلام برسید» و دیگری وابستگی ایران به غرب بود که جرقه قیام امام از کاپیتولاسیون شروع شــد. این وابستگی بود که در مقابلش شعار استقلال طرح شد. شاید امثال مرحوم مهندس بازرگان یا ملی‌گراها دنبال توسعه سیاسی بودند یا خواستار اصلاح نظام پهلوی بودند اما خط امام این نبود و رفراندوم ۱۲ فروردین هم نشان داد که کمونیست‌ها، ملی‌گراها، غربگراها، لیبرال‌ها و... کمتر از ۲ درصد هستند و کفه ترازوی امام مطلقاً سنگین است. بنابراین امام هم به آزادی غربی حمله می‌کرد، هم بر اسلام تأکید می‌کرد. حمله امام به آزادی غربی حمله به دموکراسی غربی محسوب نمی‌شود؟ آیا آزادی غربی در مدل دموکراسی اجرا نمی‌شود و امام صدها بار به «آزادی به شکل غربی آن» حمله و هجمه نکرده است؟ امام جمهوری اسلامی را به جای «حکومت اسلامی» طرح کرد اما صددرصد بومی فکر می‌کرد و خلاصی فرمان مردم سالاری را مرزهای دینی می‌دانست و تمام. ممکن است کسانی جمهوری اسلامی را قبول نداشته باشند و مسیر دیگری را بخواهند اما تحریف اهداف انقلاب اسلامی ظلم و تحریف تاریخ است. اگر ولنگاری فرهنگی که امروز عده‌ای مطالبه می‌کنند هدف انقلاب بود، که پهلوی آن را اجرا کرده بود. حقیقت این است که بخشی از نخبگان ایران هنوز متوجه نشده‌اند، حتی امر دموکراتیکی که با حدود الهی در تضاد باشد در ۱۱۷ سال گذشته (از مشروطه) محل منازعه و دعوا بوده است و در ایران شکل نگرفته است. تا نپذیریم که سیاست متأثر از فرهنگ است -حتی در غرب - واقع‌گرا نخواهیم شد و مدینه فاضله‌ای را می‌طلبیم که مصداقش در جهان یافت نمی‌شود. بگویید ما جمهوری اسلامی را قبول نداریم یا نمی‌خواهیم اما اهداف انقلاب اسلامی را برای توجیه امروزتان تحریف نکنید. امام نه اهل قدرت عرفی بود، نه معتقد به دموکراسی بود و نه نظامی جز نظام دینی را شایســته حکومت بر بشر می‌دانســت. انقلاب‌های دیگر را جایگزینی و جابه‌جایی دو طاغوت می‌دانست و می‌فرمود از نظر ما آن که بوده است و آن که آمده است هر دو طاغوت هستند، چون به دنبال امور صرفاً مادی هستند و به مواهب قدرت برای خود نیز فکر می‌کنند اما ما «قیام‌لله» کردیم.

سرمقاله

اگر ایران در سیطره پهلوی‌ها می‌ماند

محمدجواد اخوان
مدیرمسئول

هرچنــد در تاریــخ از رخ‌داده‌ها سخن به میان می‌آید، اما بیایید یک‌بــار هم کــه شــده از فرض تحقق‌نایافته بگوییــم. مثلاً اگر شاه مخلوع در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ از ایران فــرار نمی‌کرد یا کودتای ژنرال هایــزر امریکایی ماجرای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را برای او تکرار می‌کرد و پیروزمندانــه به ایران بازمی‌گشت چه می‌شد؟ طبیعی اســت که با وجود بیماری‌های متعدد و ناشناخته احتمال زنده‌ماندن شاه چیزی بیش از عمر واقعی‌اش زیاد نبــود، اما درهرحال اگر فرضاً چنبره ســلطنت خاندان پهلوی بر ایران ادامــه می‌یافت، اکنون در چه وضعیتی بودیم. مهم‌ترین مبنای ما برای پاسخ به این پرسش نوع حکمرانی و روندهای حاکم بر ایــران دوره پهلوی، خصوصاً در ۱۵ ســال پایانی آن اســت. بر این اســاس، اگر ایران در سیطره پهلوی‌ها می‌ماند، اکنون:
۱- فعالیت تمامی احزاب و گروه‌های سیاســی در ایران ممنوع و فقط حزب رستاخیز مجاز به فعالیت بود. تنها نشانه بازمانده از قانون اساسی مشــروطه انتخابات فرمایشی مجلس بود که با حضور اقلیتی از مردم برگزار می‌شد و اکثریت مردم در فرایندهای حکومت نقش و تأثیری نداشتند.
۲- همه مخالفان و منتقدان حکومت پهلوی تحت پیگرد ساواک قرار داشته، هرگونه اعتراضی سرکوب شده و زندانیان سیاسی در زندان‌هایی چون «موزه عبرت کنونی» نگهداری شــده و تحت شکنجه‌های قرون‌وسطایی قرار داشتند و نهادهای به‌اصطلاح بین‌المللی نیز همچون سکوتی که در مقابل نقض حقوق بشر در عربستان دارند، این موارد را هم نادیده می‌گرفتند.
۳- ایــران همچنان مملــو از پایگاه‌های نظامــی امریکا بود که مستشاران و نظامیان حاضر در آنها از مصونیت «کاپیتولاسیون» برخوردار بوده و آزادانه و بدون ترس جان و مال ناموس ایرانیان را مورد تعرض قرار می‌دادند.
۴- قراردادناعادلانه کنسرسیوم نفت همچنان پابرجا بود، پهلوی‌ها در رقابت دیوانه‌وار با سعودی‌ها برای استخراج و خام‌فروشی نفت بودند و سود حاصل از فروش بی‌حدوحساب نفت خام در جیب کنسرسیوم غربی نفت و نیز فروشندگان تسلیحات و جنگ‌افزار به ایران می‌رفت و البته پادشاه هم ســهم خاص خود را مطابق گذشته از کمیسیون قراردادهای خرید تسلیحاتی در حساب‌های بانکی‌اش در سوئیس دریافت می‌کرد.
۵- با توجه به ناتوانی پهلوی‌ها در حفظ تمامیت ارضی ایران در ماجراهایی چون جدایی بحرین، آرارات، دشت ناامید، فیروزه و...، هیچ بعید نبود که در طول نیمه دوم قرن چهاردهم شمسی نیز بخش‌هایی از خاک ایران تجزیه شده یا به اشغال بیگانه درآید.
۶- روزبه‌روز بر دایره نفوذ و قدرت بهائیان در کشور افزوده می‌شد و چه‌بسا اکثر وزرا و نخست‌وزیران از بهائیان و بهائی‌زادگان بوده و این نفوذ منجر به باز شدن باب ترویج افکار منحط این فرقه و سایر فرق ضاله در جامعه می‌شد.
۷- ایران از نزدیک‌ترین متحدان رژیم‌صهیونیستی در منطقه بود و شرکت‌های صهیونیست فعالیت گسترده‌ای در حوزه صنعت و کشاورزی ایران داشتند. مستشاران یهودی در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران حضور داشته و کنترل حساس‌ترین مراکز کشور را در اختیار داشتند.
۸- حکومت نه‌تنها به دین و آموزه‌های اسلامی توجه نمی‌کرد، بلکه هم‌وغم خود را برای ترویج بی‌عفتی و از میان بردن حیا در جامعه دنبال می‌کرد. علاوه بر توسعه بی‌حدوحصر قمارخانه‌ها و مراکز فحشا، اعمال منافی عفت اعم از جنس مخالف یا همجنس، قانونی و آزاد اعلام می‌شد.
۹- به‌جز چندده‌هزار نفر که شامل اشراف متصل به دربار، امرای ارتش و سرمایه‌داران نوکیســه بودند، اکثریت جامعه ایرانی در محرومیت حداکثری قرار داشتند. مانند دهه ۵۰ که بر اساس برآورد بانک جهانی ۵۰ درصد جمعیــت ایران زیر خط فقر قرار داشــتند، اینک نیز بخش عمده‌ای از جمعیت روستانشــین و حاشیه‌نشین از امکانات حداقلی از قبیل آب آشامیدنی سالم و برق، بهداشت و درمان و... هم محروم مانده بودند. حکومت توجه خود را معطوف به مدرنیزاسیون ویترینی شمال تهران کرده و درحالی که شمال تهران یکی از شیک‌ترین شهرهای منطقه و حتی دنیا شده بود، اکثر مردم ایران را در فلاکت محض و فقدان امکانات نگاه می‌داشت.
۱۰- ایران همچنان در زمره کشورهای با جمعیت بی‌سواد بالا مانده بود، تعداد اندکی دانشگاه و شعب دانشگاه‌های خارجی در ایران وجود داشت که کارکردشان صرفاً آماده‌سازی دانشجویان برای اعزام به خارج در مدارج بالاتر بود. دانشجویان شانس کمی برای ادامه تحصیل در تحصیلات تکمیلی داشتند و فعالیت‌های دانش‌بنیان صرفاً در صورت مهاجرت به غرب امکانپذیر بود.
آنچه در سطور بالا اشاره شد چیز عجیبی جز گوشه‌ای اجمالی از نتایج ادامه روندهای جاری کشور در ۱۵ سال پایانی حکومت پهلوی نبود. باید خدا را شکر و سپاس کرد که شر این بلیه از سر ملت ایران کم شد.

چقدر شکوفه‌ها برای شما میوه تلخ داد!

غلامرضا صادقیان / سردبیر

آقای عباس عبدی در روزی که جشن تکلیف دختران در حضور رهبر انقلاب برگزار شــد، چندخطی درباره «زن‌هراسی متولیان» نظام نوشت تا این گمان را تقویت کند که از رویداد جشن تکلیف، ناخشنود و شاید به‌شدت عصبانی شده است. اگر کسی غیر از او در این زمان چنین نوشــته بود، آن را یک‌همزمانی ناخواسته می‌پنداشتیم، اما درباره او نمی‌توان گفت که حواسش جمع نبوده است. او درواقع نشان داد که همه تحلیل‌ها و تفســیرهای روزانه او را در روزنامه‌ها باید از پنجره این جهان‌بینی خاص او دید تا دقیقاً فهمید که دنبال چیست و چه می‌گوید. بیشتر اصلاح‌طلبان را هم باید از همین زاویه دید و تفسیر کرد، یعنی چالش و ناسازگاری آنها با جهان‌بینی مدعی دین و «حکومت دینی» برآمده از آن جهان‌بینی.
آقای عبدی مثل همیشه برای نقد جایگاه و تصمیماتی که آنها را متعلق به نظام می‌بیند، یک ضمیر کلی و تاحدودی توهمی به اسم «نمایندگان و متولیان» ساخته و نوشته است: «این همه ترسی که برخی نمایندگان و متولیان از زن دارند تبدیل به فوبیا و زن‌هراسی شده نکند خدای‌نکرده به اینجا برسیم که جنین‌های دختر را امر به سقط دهند و مردم کودکان دختر خود را پنهانی بزایند و بزرگ کنند.» او قبلاً از جمله در واکنش به یکی از مطالب «جوان» نوشت که مطالبش را نــه برای مردم و جوانان بلکه برای مســئولان نظام می‌نویسد، پس می‌توان از این همزمانی وحشتناک استنباط کرد یا خود را مجاب کرد که این مطلب را هم در واکنش به همین مراسم جشن شکوفه‌ها نوشته است. با این توصیف اینکه آقای عبدی در واکنش به توجه رهبری نظام به یک مراسم دخترانه، به شکلی وارونه از زن‌هراسی سخن می‌گوید و سنت عصر جاهلیت را مثال می‌زند، واقعاً چیزی نیست که از عهده یک عقل سالم به‌راحتی برآید. بیشتر به واکنشــی از روی عصبانیت می‌خورد تا یک انگاره با معیارهای عقلانیت. یعنی هرطور این سخن ایشان را بالاوپایین کنی تا چیز دیگری یا چیز معقولی از دل آن بیرون بکشی، نمی‌شود.
برخی دوستان اصلاح‌طلب من که از استادان مبرز دانشگاه هستند می‌گویند آقای عبــدی «از پخته‌ترین و قوی‌تریــن تحلیل‌گران جبهه اصلاحات اســت و چشــم و چراغ این جبهه» (و این البته از حجم و گســتردگی کار ایشــان در روزنامه‌های متعدد اصلاحات آشکار است).
قصد این نوشته آن نیست که بگوییم آقای عبدی تحلیل‌گر خوبی نیست یا پخته نیست. اتفاقاً برای آن منظوری که در سر دارد، خوب پخته شده است. فقط می‌شود نشان داد که او نیازی ندارد هرچیزی را هر روز تحلیل کند، می‌تواند به‌جای آن هر روز یک کلمه بنویسد: «حکومت باید سکولار باشد و نگاه دینی شما را به حکومتداری قبول ندارم» و خلاص! وگرنه با هر میزان از پختگی و درایت، اگر نگاه کسی خلاف نگاه الهیاتی یا دست‌کم نگاه معنویت‌گرا نباشد، نمی‌تواند در روزی که یک‌همچون جشن معنوی و البته پراحساس دینی برگزار شد، چنین ساز مخالفی بزند و آن‌قدر عصبانی باشد که دنبال تطبیق آن با نمادهای جاهلیت برود.
آقای عبدی یک‌بار دیگر هم در زمان اولین فروکش کرونا که اجازه «برگزاری مراسم عزاداری با رعایت پروتکل» داده شد، همین رویه را درپیش گرفت و آن را یک اقدام «به‌احتمال فراوان سیاســی» و «مربوط به توافقات پشت‌صحنه» دانست و این درحالی بود که همان زمان به همه قلیانی‌ها و رستوران‌ها نیز همین اجازه داده شده بود تا با رعایت پروتکل‌ها کار خود را از سر بگیرند.
ممکن اســت گفته شــود نه‌خیر! تحلیل‌گران اصلاح‌طلب، واجد جهان‌بینی دینی هستند اما تفسیر حاکمان نظام از دین و نگاه آنان را به دین قبول ندارند و آن را اتفاقاً برداشتی ناصحیح از دین می‌دانند و برداشت صحیح از دین در نظر آنان همان است که دین برای روابط شخصی آدم‌ها با خدا اســت، نه برای حکومت‌راندن! حتی در این صورت نیز باز نمی‌توان آن چندخط نوشته آقای عبدی-تحلیل‌گر مقبــول و پخته جبهه اصلاحــات- را با معیارهــای عقلی فهمید. یعنی چه ایشان صاحب جهان‌بینی دینی باشد، با فهم و برداشت خودش، و چه جهان‌بینی غیردینی داشته باشد، نمی‌توان دانست که چطور اولاً اظهارات چند امام‌جمعه یا نماینده مجلس یا متولی را به عنوان حرف کل نظام مصــادره می‌کند و ثانیاً چرا آن را با یک عصبیت جاهلی مقایسه می‌کند. و بدتر از همه چرا این باور خود را در همزمانی با جشن دخترانی که به سن تکلیف دینی رسیده‌اند، ابراز می‌کند؟!
بحث در موضوع خطیر دین در تخصص ما نیست. بعید است آقای عبدی یا دیگر تحلیل‌گران سیاســی خام‌تر از ایشــان هم خود را متخصص دین بدانند. اما ایشان در اظهارنظرهای دینی سابقه دارد و مثلاً در همان بحث کرونا در ســال ۹۹ نوشــته بود که روحانیون از مناســک عزاداری که در چند قرن آغازین اســلام از آن خبری نبوده اســت، دفاع می‌کنند! (که در همان زمان نوشتم این حرف بوی تکفیری‌گری می‌دهد و تشخیص این تکفیری‌گری نیازی به تخصص دینی ندارد).
فی‌الجمله یک مراسم معنوی با حضور دختران کم‌سن‌وسال اگر با یک واکنش از این جنس مغلطه‌آمیز همراه شود، نشانه‌ای است که برای اظهارنظر هم در حوزه دین و هم در ضد دین، نیازی نیست که از دین سررشته داشته باشی، چون در این صورت راحت‌تر از کسانی که سررشته دارند، می‌توان درباره دین یا ضد دین سخن گفت!